

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۲۲

چکیده

زمینه و هدف: جرائم مربوط به مواد مخدر و روان گردان از دغدغه‌های همیشگی و به‌خصوص سال‌های اخیر جهان (به‌دلیل تولید و صدور انبوه) و به‌ویژه کشور ما بوده است. بدین جهت، کنوانسیون‌های بین‌المللی مختلفی در این خصوص به تصویب کشورهای جهان رسیده است. همچنین، کشورها در حقوق داخلی خود نیز در این زمینه، به قانون‌گذاری پرداخته‌اند. در این میان، مجازات اعدام، محور بحث حاضر است. نقش بازدارندگی مجازات اعدام در خصوص جرائم مواد مخدر و روان گردان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نظام حقوقی ایران (به‌عنوان یک نظام مبتنی بر شرع) ماهیت فقهی این مجازات در مورد جرائم یادشده نیز محل بحث است.

روش: روش انجام این تحقیق توصیفی است. در جمع‌آوری مطالب تحقیق، علاوه بر استفاده از کتاب‌های معدودی که در این زمینه وجود داشت، از مقاله‌های مربوط به اثر بازدارندگی مجازات بهره گرفته شد. علاوه بر آن از سایت‌های اینترنتی و پایان‌نامه‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر در غنی‌تر شدن مطالب نهایت استفاده شده است.

یافته‌ها و نتایج: تحقیق حاضر تلاش کرده است که ماهیت این مجازات را در جرائم مواد مخدر و روان گردان از بُعد شرعی و حقوقی مورد بررسی قرار دهد و از سوی دیگر، معین سازد که اعمال این مجازات در جرائم یاد شده چه تأثیری بر بازدارندگی این جرائم در نظام حقوقی ایران دارد؛ که با توجه به تفکیک بازدارندگی از کارآمدی، به‌نظر می‌رسد مجازات اعدام در جرائم مورد بحث، از کارآمدی لازم برخوردار است، اما این مجازات از بازدارندگی در این جرائم برخوردار نیست.

واژه‌های کلیدی: جرائم مواد مخدر و روان گردان، مجازات اعدام، بازدارندگی، پیشگیری

مقدمه

از بدو تأسیس نخستین تشکل‌های اجتماعی که احتیاج به وجود نظم و ایجاد مقرراتی برای حفظ امنیت و تنظیم روابط اجتماعی احساس شد، ضمانت اجرای مقررات تنظیمی نیز مدنظر بوده است. البته، در جوامع نخستین، عمده تضمین‌ها (مجازات‌ها) با انگیزه‌های متفاوتی از قبیل انتقام‌جویی، اجرای عدالت، سزادهی و یا حمایت از جامعه وضع شده بود که مجازات اعدام همواره در رتبه اول مجازات‌ها قرار داشت (امیرعلایی، ۱۳۵۷). اگرچه با تغییر زمان و مکان، از لحاظ نحوه اجرای این مجازات، روش‌های متفاوتی اعمال می‌شده، با این حال، تا دهه پیشین، هیچ‌گاه از سیاست کیفری جوامع مختلف بشری حذف نشد. در دهه‌های اخیر، با پیدایش مکاتب مختلف کیفری، مشروعیت مجازات اعدام متزلزل شد. در برخی از کشورها، به‌طور کلی از فهرست

۱ - دکتری و دانشجو، جامعه علمی، سلسله‌ی دانشگاه پیام نور، رفسنجان

۲ - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و عضو هیئت‌مدیره، دانشگاه آزاد خوج

مجازات‌ها کنار گذاشته شد و در برخی دیگر نیز به صورت قانون متروک درآمد و برخی نیز شمار اجرای آن را به حداقل ممکن کاهش دادند (آنسل، ۱۳۶۵).

با این وجود، در نظام حقوقی ایران، مجازات اعدام، از مجازات‌های پیش‌بینی شده از سوی قانون‌گذار است. یکی از جرائمی که این مجازات برای آن وضع شده است، جرائم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان است.

بدین ترتیب می‌توان گفت شدیدترین پاسخ کیفری به قاچاق مواد مخدر در ایران و برخی کشورها مجازات اعدام است. مجازات اعدام با «قانون منع کشت خشخاش و استعمال تریاک مصوب ۱۳۳۸/۳/۳۱» وارد حقوق مواد مخدر ایران شد و سپس در قوانین بعدی مربوط به مواد مخدر از جمله «قانون تشدید مرتکبان اصلی جرائم مندرج در قانون اصلاح قانون منع کشت خشخاش و اجازه موقوفی تعقیب و اجرای مجازات سایر مرتکبان جرائم یادشده مصوب ۳۱ خرداد ۱۳۴۸» ابقا شده است و به ظاهر از سال ۱۳۵۳ با شدت هرچه تمام‌تر تا انقلاب اسلامی، به وسیله دادگاه‌های نظامی اجرا شده است. بعد از انقلاب تاکنون نیز در قوانین مربوط به مواد مخدر، این مجازات حفظ شده است.

با وجود این، از زمان شروع نخستین بحث‌ها در مورد مجازات اعدام برای جرائم مواد مخدر و روان‌گردان، مخالفت‌ها و موافقت‌ها در این خصوص وجود داشت. عده‌ای با این استدلال که هرچه مجازات سنگین‌تر باشد، احتمال وقوع جرم پایین می‌آید، با مجازات اعدام موافق بودند. در مقابل، عده‌ای با این استدلال که این مجازات، توانایی بازدارندگی لازم را ندارد، با این امر مخالفت می‌کردند.

به هر حال، همان‌طور که اشاره شد، این مجازات در مورد جرائم یادشده، وارد نظام حقوقی ما شد و گرچه در سطح جهانی، در بین اندیشمندان، اجماعی در خصوص حذف این مجازات وجود دارد، اما این مجازات در نظام حقوقی ایران، همچنان به قوت خود باقی است.

بنابراین، در شرایط کنونی، به نظر می‌رسد بررسی این موضوع چه از لحاظ سیاست جنایی جرائم مواد مخدر و روان‌گردان و چه از لحاظ اصول حقوق جزا و چه از لحاظ فقهی ضرورت دارد تا بتوان به نتیجه‌ای علمی و روشن در این مورد رسید که آیا مجازات اعدام در جرائم یادشده می‌تواند نیازهای جامعه کنونی از یک سو و مقتضیات نظام حقوقی معاصر ایران را تأمین کند یا خیر؟

مجازات اعدام و بازدارندگی جرائم مواد مخدر و روان‌گردان

باید در درجه اول، مشکلی را که می‌خواهیم با مجازات اعدام حل کنیم، روشن نماییم. مشکل، عبارت است از قاچاق مواد مخدر که به سلامت و اقتصاد جامعه لطمه وارد می‌کند.

در درجه دوم، دلیل توجیهی توسل به مجازات اعدام باید روشن شود. به‌طور کلی در توجیه وجود مجازات اعدام، دو نظریه اساسی وجود دارد. یکی از این نظریه‌ها، نظریه استحقاقی و نظریه دوم، نظریه بازدارندگی است. نظریه استحقاقی بر استحقاق فرد به مجازات شدن به خاطر صدمه زدن به جامعه تأکید دارد و میزان مجازات به میزان صدمه وارد شده، قصد عامل و ورود صدمه بستگی دارد.

۳. و این در حالی است که سیاست جنایی با توجه به تحولات جوامع بشری به‌سوی نرزش، ملاطفت و سازندگی گام بر می‌دارد. گرایش حقوق نوین در آلمان یکی از این موارد است: مجازات نباید از آنچه که بازدارندگی عمومی از ارتکاب جرم، معاضدت اجتماعی و تا سر حد امکان برای پیشگیری از تکرار جرم است، تجاوز کند» (یشک، ۱۳۶۸). حقوق کیفری به طرف یک حقوق درمانی با تدابیر اصلاح‌گرایانه متحول می‌شود، که این خود، طبیعتاً بزهکاری را بیان می‌کند (گسن، ۱۳۶۵). ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هیچ کس نباید زیر شکنجه، مجازات‌ها یا رفتارهای وحشیانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده قرار گیرد».

۴. حدود ۲۲ کشور در دنیا برای قاچاق مواد مخدر، مجازات اعدام تعیین کرده‌اند. این کشورها عبارتند از: ماوریتوس، برونی دارالاسلام، برمه، چین، هند، اندونزی، کره جنوبی، مالزی، سنگاپور، سریلانکا، تایوان، تایلند، ترکیه، الجزایر، بحرین، مصر، عراق، سوریه، امارات متحده عربی، ایالات متحده آمریکا و ایران.

طبق نظریه بازدارندگی، مجازات اعدام، نه فقط مرتکب را از ارتکاب جرم باز می‌دارد، بلکه دیگران نیز با گرفتن درس عبرت، از ارتکاب جرم مستوجب اعدام، خودداری می‌کنند.

به‌هرحال، به‌نظر می‌رسد که اعدام، بازدارندگی فردی ندارد؛ چون صحبت از بازدارندگی فردی، جایی است که فرد در جامعه حضور داشته باشد و به‌لحاظ اثربخشی مجازات از تکرار جرم بپرهیزد؛ درحالی‌که با اعدام، فرد از جامعه حذف می‌شود و ارتکاب جرم به‌وسیله وی منتفی است.

پس از انقلاب اسلامی، هنوز قانون سال ۱۳۴۸ اجرایی بود تا این‌که در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۵۹، لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبان جرائم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی، به‌منظور مداوا و اشتغال به کار معتادان، توسط شورای انقلاب به تصویب رسید که اولین قانون در خصوص تعیین مجازات برای جرائم مواد مخدر پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی است. از مشخصه‌های این قانون، یکی این است که برای نخستین بار حشیش و ترکیبات دیگر آن، از قبیل بنگ و بنگاب و چرس و مانند آن‌ها، در ردیف مواد افیونی (یعنی تریاک، سوخته و شیره تریاک) قرار گرفت؛ دیگر این‌که مجازات و تنبیه بدنی برای جرائم مواد مخدر پیش‌بینی شد. مواد افیونی، مرفین و هروئین از مواد مخدر صنعتی و کوکائین و... تفکیک شد و برای هر یک ماده جداگانه‌ای وضع و مجازات اعدام نیز ابقا شد.

از سیاق تنظیم آن معلوم است که این قانون به تبعیت از قانون ۱۳۴۸ و نظر به فضای اوایل انقلاب و وجود ذهنیت منفی شدید در مردم و مسئولان به‌لحاظ ملموس بودن آثار سوء مواد مخدر در سطح وسیعی از جامعه و پراکنده شدن معتادان و لگد تنظیم شده و اعضای شورای انقلاب را بر آن داشته تا نسبت به قانون قبلی، شدت و حدت بیشتری به خرج دهند. برای نمونه، در ماده ۷ قانون، مجازات اعدام برای سازنده و فروشنده و واردکننده و در معرض فروش قراردهنده هروئین، مرفین، کوکائین و... مقرر شد و برای نگه‌دارنده و حمل‌کننده و مخفی‌کننده بیش از ۵ گرم از مواد مخدر نیز، مجازات اعدام پیش‌بینی شد که در حقیقت، میزان مواد نسبت به قانون قبلی، ۵۰ درصد کاهش یافت، ولی مجازات، تشدید شد. هرچند به‌علت دسترسی نداشتن به مشروح مذاکرات شورای انقلاب، علت دقیق تشدید مجازات اعدام در این قانون روشن نیست، ولی تا سال ۱۳۶۷، امر مبارزه با قاچاق مواد مخدر، گاهی با شدت و در برخی مواقع نیز به‌طور عادی و روزمره ادامه داشت و بدون توجه به ابعاد مختلف، مبارزه به‌صورت متمرکز بود و مسئولیت قضیه تنها به‌عهده قضات و مأموران دادسراها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی و مأموران کمیته انقلاب اسلامی وقت بود. تا این‌که در سال ۱۳۶۷، قانون مبارزه با مواد مخدر در مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح شد. از نکات بارز

۵. برخی از نویسندگان از اثر بازدارندگی مجازات اعدام دفاع کرده و می‌نویسند: «به دلایل زیر، مجازات اعدام در مورد مواد مخدر اثر بازدارندگی دارد: الف. آمارها حمایت دارند که این مجازات قبلاً اثر بازدارندگی خود را در مورد مواد مخدر نشان داده است و در آینده نیز می‌تواند بازدارنده باشد؛

ب. ثابت شده است که مجازات حبس در مورد قاچاق مواد مخدر هیچ‌گونه اثر بازدارندگی ندارد. افراد ثروتمند و با نفوذ به‌علت تباری با مسئولان زندان به اشخاص دیگر پول می‌پردازند تا به‌جای آن‌ها زندان را تحمل کنند و برخی دیگر نیز در اثر تباری با مسئولان زندان به‌جای زندان، وقت خود را در بیمارستان می‌گذرانند و از آرامش نسبی برخوردارند و در جامعه امروزی ما، زندان اثر ننگ‌آوری خود را تا اندازه‌ای از دست داده است و در سال‌های اخیر، برخی قاچاقچیان عمده مواد مخدر از زندان‌های بسیار محکم گریخته‌اند؛

پ. برحسب اجتماعی مربوط به مجازات اعدام، این مجازات را بازدارنده می‌سازد. با این توضیح که هیچ زنی دوست ندارد که شوهرش را در راه قاچاق مواد مخدر از دست بدهد و هیچ مادری دوست ندارد که نظاره‌گر جسد فرزند معدوم خود باشد. بنابراین داغ اجتماعی ناشی از اعمال این مجازات، اثر بازدارندگی را به‌دنبال دارد؛ ت. مخالفان مجازات اعدام می‌گویند اگر فقر در جامعه ریشه‌کن شود و آموزش و استخدام در جامعه مهیا شود و همه شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی که باعث پیدایش قاچاق مواد مخدر می‌شوند از بین بروند، قاچاق مواد مخدر نیز از بین می‌رود. من در نظر با این حرف موافقم ولی در عمل چقدر طول می‌کشد تا ما بتوانیم به این آرمان‌ها برسیم. این آرمان‌ها ناظر به آینده است ولی ما در حال حاضر نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم و کاری نکنیم و برخی مخالفان مجازات اعدام می‌گویند اگر دارائی قاچاقچیان مصادره شود این امر اثر بازدارندگی خواهد داشت. ولی به‌نظر من اگر این امر با مجازات اعدام همراه نباشد، اثر بازدارندگی نخواهد داشت و باید به هر نحوی که شده، انگیزه ارتکاب جرم از بین برود». (به نقل از: رحمدل، ۱۳۸۲).

۶. لازم به ذکر است که اگر فرد مرتکب قاچاق مواد مخدر، در نیمه راه ارتکاب جرم به‌علت ترس از مجازات اعدام، از ادامه ارتکاب جرم متصرف شود، نباید آن را از موارد بازدارندگی فردی به‌شمار آورد؛ زیرا این مورد، از موارد بازدارندگی عمومی است. بازدارندگی فردی در حالتی است که شخص مرتکب پس از تحمل مجازات، از تکرار جرم بپرهیزد.

این قانون، ماده ۳۳ آن است که برای اولین بار به امر مبارزه با مواد مخدر با دید وسیعی نگریده و نشان می‌دهد که مسئولان وقت دریافتند که صرف دستگیری مجرمان مواد مخدر و اعزام آن‌ها به مراجع قضایی و صدور احکامی مانند اعدام و یا حبس و اخذ جریمه‌های سنگین و شلاق، کارساز نبوده و چاره کار نیست و این مطلب در اذهان قوت گرفت که تا عزمی جدی و اراده‌ای ملی و همه جانبه در کار نباشد، از بین رفتن جرائم مواد مخدر و روان‌گردان، رویایی بیش نیست. بنابراین، بر طبق ماده ۳۳، امر مبارزه با مواد مخدر به ستادی محول شد که ریاست آن به بالاترین مسئول وقت قوه مجریه، یعنی نخست‌وزیر واگذار شد. لازم به ذکر است که اعضای ستاد را مقامات ارشد قضایی، انتظامی، اطلاعاتی، اطلاع‌رسانی، فرهنگی و بهداشتی تشکیل می‌دادند. اصولاً در هر امری، وقتی ستاد تشکیل می‌شود که انجام آن امر از عهده یک یا دو نهاد یا سازمان خارج باشد. در نتیجه، وجود تشکیلاتی جهت هماهنگی و تقسیم مسئولیت و واگذاری هریک از آن‌ها به نهاد مربوطه احساس می‌شود و نهادهایی به‌عنوان اعضای ستاد در نظر گرفته می‌شوند که هرکدام بتوانند متناسب با امکانات و مأموریت‌های سازمانی، قسمتی از سنگینی امر خطیر مبارزه با مواد مخدر را عهده‌دار شوند. در این ستاد مسئولان اصلی فرهنگی کشور، از قبیل وزیر آموزش و پرورش، رئیس سازمان صدا و سیما، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرمانده نیروی مقاومت بسیج و سرپرست سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، در آن حضور دارند.

به هر حال، در قانون سال ۱۳۶۷ نیز مجازات اعدام در مواردی چند پیش‌بینی شده است؛ از جمله در بند ۴ ماده ۲ که بیان می‌دارد: «هرکس مبادرت به کشت خشخاش کند و یا برای تولید مواد مخدر به کشت شاهدانه بپردازد علاوه بر امحاء کشت در هر بار، بر حسب میزان کشت به شرح زیر مجازات خواهد شد: «... بند ۴ - بار چهارم، اعدام». در بند ۴ از ماده ۵ نیز مقرر می‌دارد: «هرکس بنگ و چرس و تریاک و شیره و سوخته تریاک را وارد کشور و یا صادر کند یا تولید و توزیع و یا خرید و فروش کند و یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب با توجه به مقدار مواد مخدر به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود: «... ۴ - بیش از ۵ کیلوگرم اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم». همچنین، قسمت اخیر ماده ۶ مبنی بر این که اگر کسی جرم نگهداری و حمل و یا مخفی کردن تریاک و سایر مواردی که احصاء شد را تکرار کند یا مرتکب جرائم بندهای ۱ و ۲ و ۳ از ماده ۴ شود و مجموع موارد یادشده به بیش از ۵ کیلوگرم برسد، در حکم مفسد فی‌الارض قلمداد شده و مجازات اعدام در مورد وی اعمال می‌شود.

تغییری که در این قانون نسبت به مصوبه شورای انقلاب دیده می‌شود، یکی این که مقدار مواد مخدر را برای تجویز مجازات اعدام افزایش داده؛ یعنی برای خرید و فروش و... تریاک و یا سایر مواد مخدر مندرج در ماده ۴، در صورتی که بیش از ۵ کیلوگرم باشد و ماده ۸ برای خرید و فروش و نگهداری و... هروئین و مرفین و... در صورتی که بیش از ۳۰ گرم باشد، آن هم با رعایت تبصره یک از ماده ۸، اعدام مقرر شده است. در شق دوم از ماده ۹ نیز هرگاه در مرتبه چهارم تکرار جرائم مندرج در بندهای ۱ الی ۵ از ماده ۸، میزان هروئین و سایر مواد مخدر مندرج در قانون بیش از ۳۰ گرم باشد، مرتکب در حکم مفسد فی‌الارض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود.

قانون مبارزه با مواد مخدر از زمان تصویب تا اصلاح آن و حتی تا زمان انتشار آن در روزنامه رسمی که از تاریخ ۱۳۷۷/۶/۳۱ اجرایی شد، تنها قانون موجود در رابطه با جرائم مواد مخدر بود. همان‌گونه که شرح آن گذشت، در دو قسمت از قانون، مجازات اعدام از باب «در حکم افساد فی‌الارض» توجیه شده بود که در این زمینه بحث خواهیم کرد.

به هر حال، با وجود حاکمیت این قانون به مدت ده سال، در ریشه‌کن کردن جرائم مواد مخدر، توفیق چندانی حاصل نشد. شاهد این مدعا، آمار کشفیات انواع مواد مخدر از سال ۱۳۵۸ الی ۱۳۷۷ در کل کشور است که می‌توان به دو دوره تا تصویب قانون

۷. جهت مطالعه مبسوط‌تر در مورد اعضای ستاد، به ماده ۳۳ قانون مبارزه با مواد مخدر مراجعه شود.

۸. فرمانده نیروی مقاومت بسیج و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوبه ۱۳۷۶، به فهرست اعضا اضافه شدند.

اصلاح مبارزه با مواد مخدر؛ یعنی ۱۳۷۷/۶/۳۱ تقسیم کرد: یک دوره از سال ۱۳۵۸ الی ۱۳۶۷؛ یعنی از حاکمیت قانون تشدید مجازات مرتکبان جرائم مواد مخدر مصوب ۱۳۵۹ تا اواخر سال ۱۳۶۷ که قانون مبارزه با مواد مخدر به تصویب رسید؛ و دیگری، از اواخر سال ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۷. در دو مقطع از آن‌ها، آمار اعدام، قابل ملاحظه است: یکی سال‌های ۱۳۵۹ و ۶۰ و دیگری سال‌های ۶۸ و ۶۹ که زمان حاکمیت قانون مبارزه با مواد مخدر بود. ولی، در آمار کشفیات تغییر چندانی ملاحظه نمی‌شود. زیرا انواع مواد مکشوفه از سال‌های ۱۳۵۸ الی ۱۳۷۷ در مجموع ۱۵۳۰۸۳۶۷۷ کیلوگرم است که ۵۰ درصد آن از سال ۱۳۵۸ الی ۱۳۷۲ کشف شده و ۵۰ درصد دیگر، از سال ۱۳۷۳ الی ۱۳۷۷. در حالی که، درصد کشفیات در سنوات ۱۳۵۸ الی ۱۳۷۲ بسیار نزدیک به یکدیگر است، یعنی بین ۲، ۳ و ۴ در نوسان است و بقیه ۵۰ درصد، طی سال ۱۳۷۷ کشف شده است (گزارش آماری، ۱۳۷۷) که می‌توان نتیجه فعالیت شدید نیروی درگیر در امر مبارزه با مواد مخدر، از جمله نیروی انتظامی، اداره اطلاعات، سپاه پاسداران و بسیج و سایر نیروهای مردمی دانست و یا از بُعد دیگر، نتیجه عدم تأثیر مجازات شدید اعدام در کاهش جرائم و تشدید فعالیت قاچاقچیان مواد مخدر محسوب کرد. آن‌چه مسلم است این‌که در سال ۱۳۷۶ به لحاظ عدم بازدارندگی قانون مبارزه با مواد مخدر، لزوم بازنگری در آن احساس شد و تغییراتی در میزان مجازات‌های نقدی و حبس‌های مقرر در قانون پیشین ایجاد شد که مجازات‌های نقدی در همه موارد به میزان قابل توجهی که بعضاً چندبرابر می‌شد، افزایش یافت و در برخی موارد، میزان حبس کاهش پیدا کرد. ولی، یکی از خصوصیات بارز آن، تقلیل اختیار قاضی در اعمال تخفیف مجازات است که به شرح آتی، برخی از مواد آن، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

علاوه بر افزایش انواع مجازات‌های نقدی، مجازات اعدام در برخی مواقع با تحدید اختیارات قاضی شدت یافت؛ از جمله، مجازات اعدام مقرر در بند ۴ ماده ۴ قانون مصوب ۱۳۶۷ که عیناً در قانون پس از آن ابقا شد، با این تفاوت که در بند ۵ ماده ۴ قانون ۱۳۶۷، آمده بود که هرگاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن‌ها هم نشده باشد، دادگاه وی را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال به‌جز هزینه تامین زندگی متعارف برای خانواده‌اش محکوم می‌کند. در حالی که در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، همان بند به تبصره تبدیل شده و مقرر نموده که هرگاه مقدار مواد مکشوفه بیست کیلوگرم یا کمتر باشد، مجازات مقرر، حبس ابد و مصادره اموال است و در مقادیر بالای بیست کیلوگرم، مرتکبان تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند. متن تبصره چنین است:

«هرگاه محرز شود مرتکبان جرائم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن‌ها هم نشده و مواد بیست کیلوگرم یا کمتر باشد دادگاه با جمع شروط یادشده، آن‌ها را به حبس ابد و هفتاد ضربه شلاق و مصادره اموال به‌جز هزینه زندگی متعارف برای خانواده آن‌ها محکوم می‌کند. در مقادیر بالای بیست کیلوگرم، مرتکبان تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند».^۹

چنانچه ملاحظه می‌شود، اختیارات قاضی در عدم صدور حکم اعدام محدود شده و در صورتی که میزان مواد، بیش از بیست کیلوگرم باشد، قاضی ناچار به صدور حکم اعدام است.

از سوی دیگر، رویه قضایی ایران در برخورد با مجازات اعدام، در سال‌های اخیر، از خود نرمش بیشتری نشان داده است. برای مثال، از بین صد و بیست و پنج هزار پرونده مربوط به مواد مخدر که مورد بررسی قرار گرفته است، ۲۰۰۰ فقره آن، مربوط به صدور حکم اعدام برای متهمان بوده است و این تعداد، فقط ۹ درصد پرونده‌ها را تشکیل داده‌اند. ولی از این تعداد، فقط حکم اعدام ۱۲ درصد به اجرا گذاشته شده است و بقیه آنان، یا مشمول عفو شده و یا به دلیل واقع‌بینی دیوان عالی کشور، نقض شده‌اند

^۹. تبصره ماده ۴ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

(کندوکاوی پیرامون نواقص قانون مبارزه با مواد مخدر، بی تا) که شاید بتوان این موضوع را دلیل آن دانست که دیوان عالی کشور به بی‌فایده بودن مجازات اعدام پی برده است.

نقض احکام اعدام به‌وسیله دیوان عالی کشور، نشان‌دهنده عدم همگامی سیاست جنایی تقنینی با سیاست جنایی قضایی است. برای مثال، در سال ۱۳۷۸ از بین ۱۵۸۶۹ حکم اعدام افراد مستحق اعدام طبق «مصوبه مبارزه با مواد مخدر»، فقط ۱۷۲۵ مورد، منجر به صدور حکم اعدام شده و از این میان، فقط ۴۰۴ مورد آن به تأیید دیوان عالی کشور رسیده و از بین موارد تأیید شده نیز فقط ۲۲۴ مورد آن اجرا شده است. در سال ۱۳۷۹ از بین ۱۳۲۵۲ مستحق مجازات اعدام، فقط ۲۳۹۰ مورد حکم اعدام صادر شده و از بین موارد یادشده، فقط حکم اعدام ۴۰۳ نفر تأیید و از بین موارد تأیید شده نیز فقط ۲۲۶ مورد آن، اجرا شده است. در واقع سیاست جنایی قضایی می‌خواهد ایراد قانون را (در پیش‌بینی مجازات اعدام و آن هم در حد وسیعی) به متولیان سیاست جنایی تقنینی گوشزد کند که اعمال مجازات اعدام، کارساز نبوده و نیست و این رسالتی است که سیاست جنایی قضایی با هدایت قانون‌گذار در پیش گرفتن سیاست جنایی تقنینی بر عهده دارد و آن را نیز با کمال کیفیت انجام می‌دهد.

درخواست عفو محکومان به اعدام نیز از دو جهت قابل بررسی است: یک جهت، آن است که در صورت عدم امکان نقض حکم اعدام از طرف دیوان عالی کشور به‌دلیل کامل بودن دلایل توجه اتهام به متهم، دادگاه‌ها با توسل به سازوکار مندرج در ماده ۳۸ مصوبه (در مورد تقاضای عفو) سعی کنند نارسائی قانون در توسل به آخرین مرحله اعمال تخشونت را جبران کنند. جهت دوم، آن است که حکومت بخواهد به این طریق اعلام کند که موافقت با عفو، امتیازی است که به افراد داده می‌شود، و‌گرنه دلیلی ندارد که در قانون مجازات، اعدام پیش‌بینی شود و در عمل به‌دنبال راهی برای فرار از آن باشد. این نحوه فرار از اجرای مجازات اعدام را به چیزی جز بی‌فایده‌بودن پیش‌بینی آن در قانون نمی‌توان تعبیر کرد.

برای روشن شدن مطلب، نمونه‌های عملی این امر، در ادامه بیان می‌شود تا تردیدی در صحت مطالب یادشده ایجاد نشود. برای مثال، «از بررسی ۱۰ مورد پرونده‌ای که موضوع آن‌ها، براساس قانون (چه از حیث مقادیر تریاک کشف شده و چه از حیث ادله به‌دست آمده و چه از حیث اقرار صریح متهمان) مشمول حکم اعدام قرار گرفته بودند، نتایج زیر به‌دست آمده است:

۱۱. برای مطالعه بیشتر در مورد نسبت سیاست جنایی قضایی و تقنینی ایران در مورد مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، به رحمدل (۱۳۸۵) مراجعه شود.

۱۱. نتایج حاصل از نظرسنجی صورت گرفته به‌وسیله مرکز پژوهش، مطالعات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر از قضات دادگاه‌های انقلاب شرکت‌کننده در همایش و کارگاه آموزشی ویژه قضات دادگاه‌های انقلاب ویژه مواد مخدر کشور به این شرح بوده است: «در پاسخ به این گزاره که بهترین راه کاهش جرائم مواد مخدر، تشدید مجازات است، ۳۷٪ موافق، ۳۰/۴٪ نامطمئن و ۲۹/۳٪ نظر مخالف ابراز داشته‌اند. در برابر این گزاره که بهتر است بودجه مبارزه با مواد مخدر فقط در راه تشدید قوانین مبارزه با مواد مخدر صرف شود، ۲۷/۲٪ موافق، ۹/۸٪ موضعی نامطمئن و ۵۹/۸٪ نظر مخالف داشته‌اند. پاسخ قضات به این پرسش که به نظر شما بازتاب اعدام قاچاقچیان مواد مخدر چه تأثیری در جوامع بین‌المللی دارد، به این صورت بوده است: ۴۳/۵٪ بر این باور بوده‌اند که اعدام‌ها بازتاب منفی در جوامع بین‌الملل دارد، ۲۳/۹٪، آن را بی‌تأثیر دانستند و ۱۵/۲٪ نیز اعتقاد داشتند که بازتاب اعدام قاچاقچیان در جوامع بین‌المللی مثبت بوده است»، (رحمدل، ۱۳۸۲).

۱۲. بررسی آماری نشان می‌دهد که قاطعیت در اجرای قانون از سال ۱۳۷۸ تاکنون بنا به دلایل متعدد کاهش یافته است به‌گونه‌ای که درصد احکام تأیید نشده در مرکز در رابطه با ماده ۳۲ در مقایسه با احکام صادره استان‌ها هر سال نسبت به سال قبل کاهش یافته است، (سالنامه آماری ۱۳۷۹، ۷۲).

۱۳. در سال ۱۳۷۹ در مجموع، احکام اعدام درباره ۱۶۵۳ نفر مورد تأیید قرار گرفته که برای ۱۲۵۰ (۷۶ درصد) از آنان تقاضای یک درجه تخفیف شده است که نسبت به سال قبل تقاضای عفو ۸۷ درصد رشد را نشان می‌دهد (سالنامه آماری ۱۳۷۹).

۱۴. ماده ۳۸: دادگاه می‌تواند در صورت وجود جهات مخففه مجازات‌های تعزیری مقرر در این قانون را تا نصف حداقل مجازات آن جرم تخفیف دهد در صورتی که مجازاتی فاقد حداقل باشد همان مجازات تا نصف تخفیف می‌یابد. میزان تخفیف در احکام حبس ابد ۱۵ سال خواهد بود و در مورد مجازات اعدام تقاضای عفو و تخفیف مجازات به کمیسیون عفو ارسال خواهد شد.

۱۵. طبق ماده ۳۸ مصوبه مبارزه با مواد مخدر در مورد مجازات اعدام، تقاضای عفو به کمیسیون عفو ارسال خواهد شد و طبق ماده ۳۱ آئین‌نامه اجرایی مصوبه مبارزه با مواد مخدر» در اجرای قسمت زیر ماده ۳۸ مصوبه، چنانچه رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، شخصاً یا برحسب تقاضای محکمه، محکوم علیه را مستحق عفو تشخیص دهد، اجرای حکم تا اظهار نظر کمیسیون عفو قوه قضائیه و قبول یا رد پیشنهاد عفو از طرف مقام رهبری متوقف خواهد شد. در این مورد دادگاه پرونده را از طریق هیئت عفو سریعاً به کمیسیون عفو قوه قضائیه ارسال می‌کند و طبق ماده ۲۰ آئین‌نامه اجرایی مصوبه «در اجرای آئین‌نامه کمیسیون عفو و بخشودگی مصوب ۱۳۷۳/۹/۱۹ برای محکومان مواد مخدر، اخذ نظریه دبیر ستاد یا نماینده تام‌الاختیار وی ضروری است. دبیر ستاد مکلف است در هر شهرستان، نماینده تام‌الاختیار خود را به دادگاه انقلاب اسلامی مربوطه معرفی کند».

تنها در سه مورد، بدو حکم اعدام صادر شده بود، در یک مورد قاضی پس از صدور حکم اعدام با اشاره به همکاری متهم برای دستگیری سایر متهمان دو درجه تخفیف داده بود و این مسئله مورد موافقت دادستان کل کشور مبنی بر یک درجه تخفیف از طریق کمیسیون عفو قرار گرفته بود. در دومین مورد با توجه به این که مواد مخدر کشف شده به فروش نرفته بود و قاضی بدون استعلام از سابقه، حسب اقرار متهم به داشتن سابقه محکومیت در مورد قاچاق مواد مخدر، وی را به اعدام محکوم کرده بود، حکم یادشده توسط دادستان کل با این استدلال که وجود شبهه در تاریخ سابقه کیفری و لزوم احتیاط در دماء مستلزم رسیدگی دقیق است، حکم را نقض کرده بود. در مورد سوم که معامله با عامل نفوذی مقامات قضایی برای به دام انداختن متهمان صورت پذیرفته بود، دادستان کل با این استدلال که در خصوص مورد، اعدام خلاف احتیاط در دماء است، رای را نقض کرده و درخواست رسیدگی مجدد کرده بود.

در چهار پرونده دیگر، که نگارنده در روند دادرسی آن حضور داشته، مشاهده شده است که قضات، از ابتدا سعی کرده بودند به هر طریق ممکن محتویات پرونده را با تبصره بند ۴ ماده ۴ منطبق نموده و حکم اعدام را به حبس ابد، مصادره اموال^{۱۶} و ۷۴ ضربه شلاق تبدیل کنند و در سه مورد نیز حکم اعدام با استناد به جهات تخفیف مجازات به حبس ابد و مصادره تبدیل شده بود؛ ولی حکم بدوی صادره، گاه با این استدلال که طبق اقرار متهمان یا گزارش نیروی انتظامی مقداری از مواد مخدر به فروش رفته و یا متهم سابقه محکومیت کیفری مؤثر دارد و گاه با این مبنا که حکم اعدام حد است و از احکام سلطانی و حکومتی است و نه احکام تعزیری و قاضی حق دارد در صورت مشاهده جهات تخفیف مجازات، پیشنهاد عفو و تخفیف دهد، از سوی دادستانی کل کشور و دیوان عالی کشور برای صدور حکم اعدام یا با قید لزوم درخواست قاضی برای تخفیف نقض شده بود.

در عین حال، در تمام ۱۰ مورد پرونده‌هایی که حسب مقادیر کشف شده هروئین و اقرارهای متهمان، به صورت قانونی مشمول حکم اعدام موضوع ماده ۸ قرار گرفته بودند، قضات با تطبیق شرایط پرونده بر تبصره ۱ بند ۶ ماده ۸، از صدور حکم اعدام خودداری کرده و آن را تبدیل به حبس ابد، مصادره اموال و ۸۴ ضربه شلاق کرده بودند که در ۹ مورد از آن‌ها، پرونده از این حیث تایید شده بود ولی از جهت موارد دیگری نظیر عدم مداخله وکیل در پرونده یا اعمال همزمان تخفیف و تبدیل در پرونده در خصوص مجازات مصادره اموال و شلاق نقض شده بود که البته تأثیری در مجازات صادر شده نداشت.

با تعمیم نتایج آماری حاصل از ۲۰۰۰ پرونده، نمونه‌ای که مشمول مجازات اعدام بوده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که گرایش قضات دادگاه انقلاب به سمت کمتر کردن موارد اجرای مجازات اعدام، محدود کردن دایره شمول این حکم در پرونده‌ها و اعمال موسع اختیارات قانونی ناشی از تخفیف مندرج در «قانون مجازات اسلامی» و تبصره‌های مواد ۸ و ۴ «مصوبه مبارزه با مواد مخدر» است.

بنابراین در ۷۰ درصد پرونده‌های مربوط به قاچاق تریاک و ۹۰ درصد پرونده‌های مربوط به قاچاق هروئین که در فاصله سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۷۷ در دادگاه انقلاب اسلامی تهران مطرح شده‌اند، حکم اعدام و مصادره اموال به جهات و دلایل مختلف به حبس ابد، مصادره اموال و ۷۴ ضربه شلاق تبدیل شده است و در عین حال، در مرحله تجدید نظر دادستان کل کشور و رئیس دیوان عالی کشور، از ۳۰ درصد احکام بدوی اعدام در پرونده‌های قاچاق تریاک، ۲۰ درصد به جهت احتیاط دماء و ۱۰ درصد به جهت وجود دلایل و جهات تخفیف تا یک درجه (حبس ابد) نقض شده است و در مورد ۷۰ درصد مابقی، باید گفت که در کنار استدلال دیوان عالی کشور مبنی بر حد بودن مجازات اعدام و امکان اعمال تخفیف از طریق کمیسیون عفو، ۴۰ درصد پرونده‌ها برای درخواست تخفیف به کمیسیون عفو فرستاده شده است. ۱۰ درصد به جهت رعایت نکردن مقررات شکلی (نظیر عدم مداخله

^{۱۶}. هرگاه محرز شود مرتکبان جرائم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آنها هم نشده و مواد، بیست کیلوگرم یا کمتر باشد دادگاه با جمع شروط یادشده آنها را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال ناشی از همان جرم می‌کند. در مقادیر بالای بیست کیلوگرم مرتکبان تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند.

وکیل در امر دادرسی) و ۲۰ درصد به جهت عدم امکان استناد به ماده تخفیف در «قانون مجازات اسلامی» نقض شده و مشمول حکم اعدام شده است. در مرحله تجدید نظر در پرونده‌های مربوط به قاچاق هروئین نیز همه ۱۰ درصد آراء صادره مبنی بر اعدام، مورد تنفیذ رئیس دیوان عالی کشور قرار گرفته است و در ۹۰ درصد دیگر پرونده‌ها که مجازات اعدام آن‌ها، در مرحله رسیدگی به حبس ابد تبدیل شده است، هیچ‌گونه اعتراضی به صدور حکم حبس ابد به جای اعدام نشده است و حکم، عیناً توسط رئیس دیوان عالی کشور تایید شده است» (قناد، ۱۳۷۹).

ملاحظه می‌شود که سیاست جنایی قضایی چقدر با سیاست جنایی تقنینی فاصله دارد و قضات سعی می‌کنند به هر نحو ممکن، راهی برای فرار از اجرای مجازات بسیار سنگین اعدام پیدا کنند.

تبعیت نکردن سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی به این معنا است که قانون‌گذار در وضع قانون، به بی‌راهه رفته است. اگر قانون‌گذار در یک اتاق شیشه‌ای و بدون توجه به واقعیات جامعه اقدام به تصویب قانون کند و تنها با وضع مجازات بسیار سنگین و بدون توجه به علل و فقط با توجه به معلول‌ها، قانون‌گذاری کند و خیال کند که با اعدام چند نفر قاچاقچی که خودشان معلول به‌شمار می‌آیند و نه علت، می‌تواند به حل مشکل بپردازد، راه اشتباهی را انتخاب کرده است. در عوض برخی از قضات به‌لحاظ مشاهده عینی وقایع اجتماعی و امکان درک درست‌تر و بهتر از این وقایع، راه اعمال سرکوب‌گرانه قانون‌گذار را سد می‌کنند.

نتیجه‌گیری

جرائم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان یکی از معضلات جامعه جهانی و به‌خصوص کشورهای در حال توسعه است. اهمیت این موضوع زمانی افزایش می‌یابد که به این نکته توجه داشته باشیم که کشور ما، همجوار کشوری است که تولیدکننده انبوه این مواد است.

در این میان، راه‌های مختلفی برای مبارزه با جرائم مربوط به این مواد مورد توجه قانون‌گذاران تمامی کشورهای جهان قرار گرفته است که سنگین‌ترین آن‌ها، مجازات اعدام است. این مجازات که از سوی برخی کشورها برای مبارزه با جرائم یادشده تعیین شده است، از سوی قانون‌گذار ایران نیز مورد تایید واقع شده است.

با توجه به سیر تاریخی قانون‌گذاری در این زمینه، معلوم می‌شود که از همان اوان پیدایش این مجازات برای جرائم یادشده، مخالفت‌ها و موافقت‌ها در مقابل هم صف‌آرایی کرده‌اند که این موضوع تا کنون نیز ادامه داشته است.

لازم به ذکر است که بیشتر مباحث در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش مجازات اعدام در این زمینه، معطوف به کمیت و کیفیت بازدارندگی و قدرت پیش‌گیرندگی آن است. همچنین در نظام حقوقی ما که یک نظام مبتنی بر شریعت اسلامی است، بحث از فقهی یا غیرفقهی بودن این مجازات در خصوص جرائم مواد مخدر و روان‌گردان نیز مطرح است.

تحقیق حاضر، با تکیه بر نظریه‌های حقوقی، سیر تاریخی مجازات اعدام به‌طور کلی، طرح استدلال موافقان و مخالفان مجازات اعدام و... نشان می‌دهد که نه تنها وجود یا عدم این مجازات در یک سیستم حقوقی، به مسائل و مقتضیات گوناگونی بستگی دارد که از زمانی به زمان دیگر و از مکانی به مکان دیگر قابل تغییر است، بلکه در خصوص بازدارندگی این مجازات هم به‌طور کلی و مطلق نمی‌توان اتخاذ موضع کرد. در نتیجه، برای رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب در تحقیق حاضر، باید این مجازات را در سیاق خاص جرائم مواد مخدر و روان‌گردان سنجید.

^{۱۷} قضات پیش از آن‌که حامی و مجری قانون باشند، انسانند و به حکم طبیعت خود، میل دارند قانون را به گونه‌ای تفسیر کنند که با عدالت منطبق باشد. دادرسان که با وقایع خارجی به‌طور مستقیم روبه‌رو هستند، عدالتی را که اخلاق عمومی به‌وجود آورده است روشن‌تر احساس می‌کنند و از آن الهام می‌گیرند. قاضی نماینده دولت است و به نام او تصمیم می‌گیرد ولی عنوان «انسان» از محیط خود متأثر می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۷).

از سوی دیگر، از آنجا که اگر ثابت می‌شد، مجازات اعدام در جرائم یادشده در زمره مجازات‌هایی است که از سوی شرع معین شده و به تعبیر دیگر از تعزیرات شرعی محسوب می‌شود، بحث بر سر بازدارندگی آن در نظام حقوقی ما بیهوده می‌شد؛ زیرا در این صورت، بر فرض ثابت شدن عدم بازدارندگی اعدام در این جرائم، موضوع وجود حکمت در احکام الهی و امور خفیه، مانع بحث بر سر اصلاح اعمال این مجازات می‌شد.

تحقیق حاضر نشان می‌دهد از آنجا که افساد فی الارض و محاربه، دو جرم جداگانه محسوب نمی‌شوند، مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر و روان‌گردان را نمی‌توان از تعزیرات شرعی شمرد و بر آن اساس، می‌توان آن را در مواردی تعدیل کرد و یا حداقل شرایطی را ایجاد نمود که این مجازات، از بازدارندگی لازم برخوردار شود.

از آنجا که با نتیجه‌گیری یادشده، بحث بر سر بازدارندگی مجازات اعدام در جرائم مزبور گشوده شد، در ادامه به بازدارندگی این مجازات در جرائم مواد مخدر و روان‌گردان به‌خصوص در دستگاه قضایی ایران پرداخته شد.

نتیجه این بررسی، این است که مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر و روان‌گردان با شیوه‌ای که اکنون در حال اجرا است، از بازدارندگی لازم برخوردار نبوده و از آنجا که این مورد (وجود مجازات اعدام در جرائم یادشده)، به‌وضوح در چشم قضات و دستگاه قضا ناعادلانه جلوه کرده و سودی در آن دیده نشده است، سیاست جنایی قضایی ایران، همیشه از هر راهی که امکان تعدیل این موضوع وجود داشته، وارد عمل شده تا سیاست جنایی تقنینی را در این خصوص با واقعیات اجتماعی وفق دهد.

لازم به توضیح است که یکی از مهم‌ترین دلایل عدم بازدارندگی مجازات یادشده، این است که این مجازات در محیط زندان و دور از اِصْطِاحِ عمومی و مردم صورت می‌گیرد. بدین ترتیب، در مواردی که قانون‌گذار، قصد اعمال این مجازات را دارد، باید حداقل آن را به‌گونه‌ای عملی کرد که بازدارنده باشد، نه این که فقط به حذف مجرم همت گماشت و این امر میسر نمی‌شود، مگر این که اعمال مجازات یادشده در مکانی برگزار شود که چشم عبرت‌بینی نیز در آنجا وجود دارد.

رویکرد جدید قانون‌گذار نیز به‌طور کلی، مؤید نتیجه حاصل از این تحقیق است، بدین ترتیب که، قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ شمسی، که در ماده ۱۹، مجازات‌های تعزیری را مورد شمارش قرار داده و آن‌ها را به ۸ درجه تقسیم نموده است، نامی از مجازات اعدام نمی‌آورد و سنگین‌ترین مجازات آن که به‌عنوان درجه ۱ شناخته می‌شود، حبس بیش از ۲۵ سال، جزای نقدی بیش از یک میلیارد ریال، مصادره کل اموال و انحلال شخص حقوقی است. بدین ترتیب، به‌نظر می‌رسد قانون‌گذار نیز در شیوه کنونی اجرای اعدام، سودی ندیده است و به‌دنبال بازسازی و تعدیل این مجازات است.

بنابراین، به‌نظر می‌رسد، از یک‌سو، مجازات اعدام با شیوه اجرای کنونی آن، در خصوص جرائم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان از بازدارندگی لازم برخوردار نیست.

بدین ترتیب، از آنجا که محقق، خود نیز مخالف حذف مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر و روان‌گردان به‌طور کلی است (طه طاهری، ۱۳۹۳)، از یک‌سو، در جهت بازدارنده کردن مجازات اعدام در این جرائم (از طریق روش‌هایی که بازدارندگی را افزایش می‌دهد) کوشید و از سوی دیگر، تا حدی که نظام حقوقی کشور و شرع مقدس اجازه می‌دهد، مجازات‌های دیگری را به‌عنوان جایگزین (از جمله حبس‌های سنگین مندرج در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، منع اقامت در یک محل معین یا اجبار به اقامت در یک محل معین و منع اشتغال به برخی مشاغل) در نظر گرفت. بحثی که باید در مجالس دیگر، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر، با نگاهی به قانون مبارزه با جرائم مواد مخدر و روان‌گردان، معلوم می‌شود که این قانون، بیش از توجه به اقدامات پیشگیرانه، به اقدامات سرکوب‌گرایانه توجه داشته است. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که در اصلاحات بعدی این قانون باید به اقدامات پیشگیرانه، توجه بیشتری مبذول شود.

۱۹. لازم به توضیح است که با توجه به تفکیک بازدارندگی از کارآمدی، به‌نظر می‌رسد مجازات اعدام در جرائم مورد بحث، از کارآمدی لازم برخوردار است، اما این مجازات اکنون از بازدارندگی در این جرائم برخوردار نیست.

- اداره کل حقوقی، امور قوانین و مجلس ستاد مبارزه با مواد مخدر، کندوکاوی پیرامون نواقص قانون مبارزه با مواد مخدر.
- اداره کل آمار و رایانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، گزارش آماری سال ۱۳۷۷؛ ۱۹ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی.
- اصلاحیه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، مصوب ۱۳۸۹/۵/۹.
- امیرعلایی، شمس‌الدین. (۱۳۵۷). مجازات اعدام، تهران: انتشارات دهخدا.
- آنسل، مارک. (۱۳۶۵). مجازات اعدام، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران: انتشارات آگاه.
- درگاهی، حسین و همکاران. (۱۳۸۹). اعتیاد، مواد مخدر و سوء مصرف مواد و نظام‌های اطلاعات، تهران: انتشارات آوای دانش‌گستر.
- ذبحی، حسین. (۱۳۹۲). شرح و بررسی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، تهران: انتشارات قوه قضائیه.
- رحمدل، منصور. (۱۳۸۲). مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران، انگلستان و ولز در قبال قاچاق مواد مخدر، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- رحمدل، منصور. (۱۳۸۵). تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱، ۱۴۹-۱۶۵.
- زندی، مه‌لینگ. (۱۳۸۹). مجموعه حقایق آشکار از مواد مخدر، حشیش (ماری جوانا، علف، بنگ)، ترجمه دکتر سیدمهرداد مظفر و نازیلا رستمی، تهران: نشر آبیژ.
- طه‌طاهری. (۱۳۹۳). قائم مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر، قابل دسترسی به آدرس:
<http://www.irna.ir/fa/News/81430916> (تاریخ بازدید: ۱۰/۲۸/۱۳۹۳)
- قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲ شمسی.
- قناد، فاطمه. (۱۳۷۹). بررسی تناسب بین جرم و مجازات در جرائم مواد مخدر، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی علمی-کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، تهران: روزنامه رسمی کشور.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷). فلسفه حقوق، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گسن، ری‌موند. (۱۳۶۵). گرایش‌های نو در جرم‌شناسی انگلستان و آمریکای شمالی، ترجمه علی‌حسین نجفی‌ابرنادادی، مجله دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- معاونت برنامه‌ریزی و توسعه قضایی دادگستری استان قم. (۱۳۸۷). بررسی وضعیت مجازات اعدام، قم: کانون تبلیغاتی طه.
- هاشمی‌شاهرودی، سیدمحمود. (۱۳۷۸). بایسته‌های فقه جزا، تهران: نشر میزان.
- هانس هنریش، یشک. (۱۳۶۸). حقوق جزای نوین جمهوری فدرال آلمان در بوته آزمایش، ترجمه محمد آشوری، مجله کانون وکلا، ۲۳۹.
- Adesugba. S., (1990), The Death Penalty: Myth or Reality, in: Narcotics: Law and Policy in Nigeria (eds.), Awa U. Kalu&YemiOsinbajo, Bencod Press Limited, FrderalMinistry of Justice, Lagos, pp. 347-348
- Griffith Edwards et al. (2009). Drug trafficking: time to abolish the death penaly, Journal compilation, Society for the Study of Addiction.

- United Nations Convention Against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances (entered into force on November 11, 1990).

- Ying yos Leechaianan & Dennis R. Longmire. (2013). The Use of the Death Penalty for Drug Trafficking in the United States, Singapore, Malaysia, Indonesia and Thailand: A Comparative Legal Analysis, in: The Death Penalty in the 21st Century, College of Criminal Justice, Sam Houston State University, Huntsville.